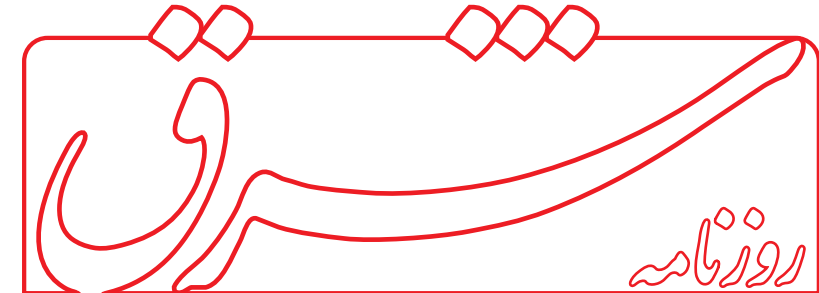




روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۱-۲، فکس: ۸۸۸۸۰۷۱۹، تلگراف: ۸۸۶۵۸۵۷۵
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز - تلفن: ۶۶۱۸۲۱۳۰-۵
چاپ: نشر روز تاب - تلفن: ۲۴۵۴۵۰۷۶
www.sharghnewspaper.ir

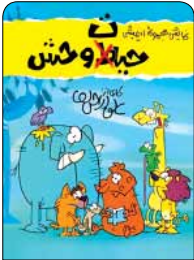
تهران: اذان ظهر ۱۱:۴۸ اذان مغرب ۱۷:۱۹ اذان صبح فردا ۵:۱۱ طلوع آفتاب ۶:۳۸



شنبه ۲۱ آبان ۱۳۹۰ - ۱۲ ذی‌الحجه ۱۴۳۲ - ۱۲ نوامبر ۲۰۱۱ - سال نهم - شماره پیاپی ۱۳۹۱ - شماره ۴۶۷ دوره جدید - ۱۲ صفحه + ۳۲ صفحه ضمیمه

انیمیشن‌های حیات وحش در خانه سینما

شرق: انیمیشن‌های حیات‌وحش ساخته علی درخشی امروز (۲۱ آبان) ساعت ۱۸:۳۰ در خانه سینما نمایش داده خواهد شد. سری انیمیشن‌های علی درخشی تا به حال در جشنواره‌های مختلف جوایز متعددی را از آن خود کرده است. کاراکترهای این انیمیشن‌های دوبعدی حیواناتی هستند که فضای طنزآمیزی بر روابط آنها حاکم است و از ویژگی‌های انیمیشن‌های درخشی نریشن‌های طنزآمیزی است که روی قسمت‌های مختلف نوشته و صداگذاری شده است. خانه سینما واقع در خیابان بهار، خیابان سمنان پذیرای علاقه‌مندان به این انیمیشن‌هاست.



تولدی دیگر

ظرفیت درک نیما را نداشتم



کیومرث منشی‌زاده*

■ برخلاف آنچه امروز در میان اذهان عمومی رایج است که شعر نیمایی دیگر خریداری ندارد، من معتقدم که این عقیده زائیده تفکر کسانی است که نیما پوشیچ را نمی‌فهمند. زیرا شعر نیما شعری است که «صدقن هزارساله باید» تا یک «نیما پوشیچ» دیگر به وجود آید. اینکه گروهی گمان می‌کنند چون نیماشاعر سمبولیست است، لزوماً باید چیزی از بودلور ورن و رمبو کم داشته باشد، تصور اشتباهی است. شعر نیما شعری دیگر است. نیما از همان ابتدا هم به وسیله ما خوب درک نشد و علت آن هم همان چیزی است که سعدی می‌فرماید: «تو بزرگی و در آیینۀ کوچک ننمایی». نیما از ظرفیت ذهنی ما، بیشتر است و این ظرف (ما) گنجایش آن مطروط (نیما) را ندارد، خواه اینکه ما نایمایی‌ترین شعرهای نیما را پذیرفته‌ایم مثلاً «غم این خفته چند/ خواب در چشم ترم می‌شکند» که به نظر من این شعر می‌توانست توسط «رشید طوطاوط» هم گفته شده باشد.

شعر نیما دستگاه و مختصات مشخصی دارد و با شعر او نمی‌شود آواز ابوعطا خواند. بنام به آن ملتی که گفته است «آب که سر بالا برود، قورباغه ابوعطامی خواند» نیما کسی بود که جلو هر ز رفتن شعر فارسی را گرفت و شعر قدیم‌مان را که بعد از حافظ مثل بشکاهی که در سراسب با حرکت متشابه‌التغییر تند شونده پیش می‌رفت، باظهور خود از سقوط نجات داد، ولی ما استعداد نگاه داشتن آن را نداشتیم. عیب بزرگ شعر معاصر ما این است که به جای آنکه به دنبال مایاکوفسکی که فتوربست و آیندنگر است و یا دنبال نیما برود دنبال تامس استرنس البوت رفت که به نظر من شعرش لبریز از اسطوره است و واپسگرا چراکه اسطوره نیز چیزی جز نشخوار شبانایی بر گرد شعله‌های دودی آتش که خیالات مایلیخوبایی خود را با هم مبادله می‌کنند. نیست! البوت شاعر ماضی‌نقلی (بعید) است در حالی که نیما شاعر آینده‌های دوردست است. زادروزش که ۲۱ آبان است گرمای باد.

*یادداشت شفاغی

کارتون‌وباب

فیروزه مظفری

firoozeh.mozaffari@gmail.com



موسسه فرهنگی هنری پرتو آبی شما را به دیدن این اثر دعوت میکند

هم اکنون
در فروشگاه ها و سوپر مارکت های سراسر کشور

رنگو

پرفروش‌ترین
انیمیشن سال ۲۰۱۱



اثری بیاد ماندنی
از بزرگان دوبله ایران

پاسخ دولت‌آبادی به سخنان دری:

رمان ایرانی باید به زبان فارسی منتشر شود

گروه ادبیات: «رمان کلنل محمود دولت‌آبادی در خارج از ایران منتشر شده و دیگر ضرورتی ندارد که در ایران هم منتشر شود. البته کتاب را به بنده داده‌اند که بخوانم.» این واکنش معاون فرهنگی وزارت ارشاد به بلائکلیفی کتاب کلنل است در روز ۱۸ آبان در نشست خبری نوزدهمین دوره هفته کتاب ایران، بهمن درّی، در پاسخ به پرسشی درباره وضعیت انتشار رمان «زوال کلنل» محمود دولت‌آبادی در ایران – رماتی که امسال نامش در فهرست اولیه نامزدهای بوکر آسیایی است – به گفتن این جمله اکتفا کرد. چندی پیش در روزنامه «شرق» گزارشی به مناسبت قرار گرفتن نام رمان زوال کلنل در فهرست اولیه بوکر آسیایی منتشر شد و در آن گزارش به وضعیت بلائکلیف انتشار متن فارسی این رمان در ایران اشاره شد و به اینکه زوال کلنل در حالی نامزد این جایزه شده که در ایران هنوز هیچ‌کس این رمان را به زبان فارسی نخوانده است. اکنون «فتر ضروری» بودن چاپ این رمان به زبان فارسی تنها پاسخی است که بهمن درّی به منتقدان چاپ نشدن متن فارسی چنین رماتی که ترجمه‌اش در خارج از ایران اینچنین مورد توجه قرار گرفته، داده است. در حالی که آن طور که از قرائن و گفته‌های خود دولت‌آبادی



برمی‌آید، «زوال کلنل» از آغاز به این قصد که زودتر در خارج از ایران منتشر شود، به ناشر خارجی داده نشده بود. دولت‌آبادی در گفت‌وگو با «شرق» درباره این اظهار نظر درّی درباره ضرورت نداشتن چاپ کلنل در ایران می‌گوید: «پشان این سخن را از سر تندی گفته‌اند چراکه چنین حرفی ابداً منطقی نیست و ادبیات فارسی و رمان ایرانی باید در زبان فارسی چاپ شود.» به گفته دولت‌آبادی ترجمه کلنل همان وقت که متن فارسی این رمان به ارشاد سریده شده، به ناشر خارجی نیز داده شده است: «من کلنل را تقریباً همان زمان که در ایران آماده انتشار کردم و به واسطه ناشر به وزارتخانه ارشاد فرستادم، به ناشر سوئیسی هم سپردم. اما تا یک سال و نیم پس از فرستاده شدن کتاب به ارشاد هیچ‌گونه پاسخی دریافت نکردیم. از سویی دیگر ناشر اروپایی منتظر نمی‌ماند و وقتی کاری را آغاز می‌کند تا نقطه پایان پیش می‌برد. این است که از همان روز دریافت کتاب کار خود را آغاز و کتاب را آماده انتشار کرد.»

این‌گونه بود، که ترجمه آلمانی کلنل پیش از متن فارسی آن منتشر شد و منتقدان آلمانی زبان آن را ستودند و رمان در ایران، همچنان در وزارت ارشاد مانده بود و تغییراتی هم که بعد از روی کار آمدن دولت دهم در وزارت ارشاد پدید آمد، تأثیری بر سرنویشت آن نگذاشت.

محسن پرویز که این کتاب در دوران تصدی او در پست معاونت فرهنگی وزارت ارشاد برای دریافت مجوز به این وزارتخانه فرستاده شده و ۶۴ مورد اصلاحیه خورده بود، جای خود را به بهمن درّی داد و ناشر، یکبار دیگر وضعیت کلنل را پیگیری کرد؛ این بار از طریق ملاقات با خود بهمن

تغییر

اقتصاد، سیاست و اجتماع



سعید مدنی

نشان دادن کاستی در هر سه حوزه اقتصاد، سیاست و اجتماع در کشورمان چندان دشوار نیست. پایین بودن رشد اقتصادی، تورم و بیکاری آن هم در میان گروه‌های سنی جوان را باید در شمار مشکلات جدی قلمداد کرد که به سادگی و بدون تجدید نظر اساسی در سیاست‌های اقتصادی اصلاح آنها ممکن نیست. همچنین شواهد غیرقابل انکاری در مورد مسائل در روابط بین‌الملل، تنگ‌تر شدن محاصره اقتصادی و تشدید تحریم‌ها وجود دارد. اما در اجتماع نیز روند مطلوبی مشاهده نمی‌شود. شاخص‌های وضعیت اجتماعی نگران‌کننده هستند. تداوم وضعیت انومیک یا بی‌هنجاری، تشدید نابرابری و فساد، افزایش خشونت، شیوع بیشتر اعتیاد و سوء مصرف مواد، تهدید نهاد خانواده و کاهش سرمایه اجتماعی برخی از نشانه‌ها در وضعیت اجتماعی هستند. برای حل مشکلات اقتصادی کافی است با توجه به وجود منابع سرشار نفتی در سیاست‌ها و برنامه‌ها تجدید نظر اساسی به عمل آید و به نظر کارشناسان و متخصصان اقتصاد ایران توجه شود. در سه دهه اخیر اقتصاد ایران فراز و فرودهای جدی داشته و در مقاطعی با رعایت موازین علمی و اتخاذ رویکردها و سیاست‌های صحیح توانسته از بحران‌های جدی به طور موقت یا دائم بگریزد. به هر حال درمان اقتصاد بیمار ایران موضوعی است سهل و ممتنع. به خاطر داریم که در سال پایانی ریاست‌جمهوری آقای هاشمی، فسنجایی بحران در روابط بین‌الملل تا آنجا پیش رفته بود که کشورهای اروپایی سفرای خود را از ایران فراخوانده بودند و اهریمن جنگ و تهاجم نظامی بر فراز ایران در پرواز بود. در چنین

من که سر در نمی‌آورم

ایکاروس

ناهید طباطبایی



■ داشتم یکی از این نشر‌های ادبی و هنری را ورق می‌زدم تا از جریان‌های روز باخبر بشوم و بدانم که کی در مورد چی، چه نظری دارم - و اصلاً چه خبر است - که چشم افتاد به این نوشته:
«برای نویسنده درک ترکیب» تجربه متفاوت تبدیل شده به پرسش و نوعی ابزار هویت زیستی که به وسیله معنایی که از این مولفه متبادر می‌شود، می‌تواند در زمان فقدان نظریه‌پذیری در ایران و کثرت سهل‌انگاری در سادۀ‌نمایی مفاهیم پیچیده، هویت‌بخش و خواستنی باشد... این روزها در فضای جامعه ادبی شاهد نوعی آسان‌گیری هستیم پیرامون اهمیت نظریه و این دقیقاً روی دیگر وضعیت است که در سال‌های نیمه دوم دهه ۷۰ باعث فریگی نظریه دوستی شد... اما حمله‌هایی که این روزها به نظریه‌پردازی و نقد ناشی از نظریه می‌شود عمدتاً آمده‌اند از روحیه عوام‌پسندی که حتی در شناخت رمان‌ها و پارامی مجموعه داستان‌ها، فضا را به هم ریخته‌اند. به همین دلیل نویسندگانی را می‌بینیم که برای جدا نشان دادن خود از جریان‌های به اصطلاح عامه‌پسند مدام و بی‌کوک‌ترین سازمان تئوریک در حال وصل کردن خود به امر تجربه متفاوت هستند، چیزی که معنایی ندارد و بیشتر صفتی است برای متمایز نشان داده شدن... در همین فرا‌آیند است که بسیاری از نویسندگانی که به امر پیچیده توجه می‌کنند و منتقدانی که به این مولفه توجه دارند، محکوم می‌شوند. محکوم به اینکه از متعارف بودن سر باز زده‌اند و برای متفاوت بودن سراغ تگلدهای آوانگار رفته‌اند.»

پنج خط اول را - تا آنجایی که می‌گوید خواستنی باشد- پنج دفعه خواندم تا به گمانم بفهمیم، مانده بودم سرگردان که این کلمه‌ها از کجا می‌آیند اگر ترجمه‌اند، ترجمه چه لغت‌های هستند و اگر نشان‌دهنده افکار فریه نویسنده هستند، این افکار از کجا اینقدر فریه شده‌اند و وقتی به کلمه خواستنی رسیدم، نفس راحتی کشیدم چون نمی‌دانم چرا یاد بستنی توت‌فرنگی افتادم. بعد بقیه مقاله را خواندم و فهمیدم که یک عده جمع شده‌اند و دارند هی نظریه را لاغر می‌کنند و یک عده دیگر هی فریمایش می‌کنند تا خودشان را فریه نشان بدهند و این وسط عده‌ای که اصلاً نظر‌های فریه دارند، سرشان کلاه می‌رود اما نفهمیدم کی به کی است. از مولف معذرت می‌خواهم که نظر‌های را عامه‌پسند کردم ولی به هر حال این قدیمی است برای فهم مطلب، چون فکر نمی‌کنم کسانی که مخاطب شما هستند، بعد از فراغت از مشاغل و امور روزانه و از این روزنامه به آن روزنامه رفتن و برای این و آن کار نقد نوشتن و به این ناشر و آن ناشر سر زدن، دنبال معنی فلان اصطلاح فرنگی رفتن، تازه اگر اجار‌ریشان را داده باشند و پول مهد را پرداخت کرده باشند و توی خیابان‌های تهران ماشین بهشان زده باشد و پای‌شان پیچ نخورده باشد، از ماجرا سر در بیابوند یا اصلاً بخواهند که سر دریابوند، به‌خصوص که:

اکثر این منتقدان و نویسندگان هم فاقد اصول روشن و بارز سیاسی هستند و اصلاً به قدرت و مفهوم معاصر بودن توجهی ندارند.

و بعد ایشان تکلیف می‌کنند: نویسنده ناگزیر است با لایه‌های تاریخ در گیر شود و این امر او را تبدیل می‌کند به دوزخی که باید بسوزاند و پیش رود. ایکاروس است که باید آتقدر بالا برود تا بال‌هایش بسوزد اما آتش را کشف و خون را پخش کند در آسمان. مهم بارش خون است که تاریخ را مقابل هنرمند قرار می‌دهد.

از این چند جمله آخر کیف کردم، مرا یاد رستم و سهراب انداخت، من هم فکر می‌کنم نویسنده باید با لایه‌های تاریخ درگیر شود به خصوص که نمی‌تواند در گیر نشود. بیچاره چارامی هم ندارد. و از همه جالب‌تر اینکه این مقاله مقدمه‌ای است در باب بزرگداشت ابراهیم گلستان که با چند داستان خوب و چند فیلم خوبی که قبیل از رفتنش - به گمانم ۳۰سال پیش - ساخته به نظر مولف لابد ایکاروس است. ایکاروسی که در اتاقی در یک قصر انگلیسی، نشسته بر صندلی عتیقه بی‌تردید گرانبهای خویش، تصویر مصدق را بر جاده دارد. آدم می‌ماند که این تضاد، این بزرگ‌نمایی، این مبهم گویی، این لاغری و فریگی بی‌دری هم آیا تجربه‌های متفاوت برای مدرن بودن است یا باز هم یک چیز دیگری پشتش است که ما نمی‌فهمیم.

پرش از اخبار

سومین سمپوزیوم مجسمه‌سازی تهران در برج میلاد

■ سومین سمپوزیوم مجسمه‌سازی تهران از امروز (۲۱ آبان) با حضور پنج هنرمند مجسمه‌ساز خارجی و یک هنرمند مجسمه‌ساز مدعو ایرانی در برج میلاد برگزار می‌شود. «جان گوگا بر گسولی» از گرجستان، «یان نیوبری» از سوئد، «هیتوشی تاکاگا» از ژاپن، «کستم عبدالحمید» از سوریه و «انتیموس میرو دیاس» از یونان هنرمندان خارجی حاضر در سومین سمپوزیوم مجسمه‌سازی تهران هستند.